

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و
ارسال رایگان

Medabook.com

+



مدابوک



دریافت برنامه ریزی و مشاوره

از مشاوران رتبه برتر

هوا کنکور آیدی نوین

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۴



۱ ۳ معنی درست واژه‌ها: وَرطه: زمین پست، مهلکه، هلاکت / نادره: بی نظیر، بی مانند / خیره: فرومانده، سرگشته، حیران، لجوج، بیهوده / نمط: روش، نوع

۲ ۴ معنی درست واژه: زهی: آفرین

۳ ۲ معنی درست واژه‌ها: قفا: پس گردن، پشت گردن، پشت / هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم / برازندگی: شایستگی، لیاقت

۴ ۳ معنی درست واژه: زهره‌در: ترسناک، وحشت‌آور

۵ ۳ واژه «زهره» در گزینه (۳) با تلفظ «زهره» و به معنی «کیسه صفر» و در سایر گزینه‌ها با تلفظ «زهره» و به معنی «سیاره ناهید» به کار رفته است. این سیاره مشهور است به «نوازنده فلک»!

۶ ۳ واژه «زهره» در گزینه (۳) با تلفظ «زهره» و به معنی «سیاره ناهید» و در سایر گزینه‌ها با تلفظ «زهره» و به معنی «کیسه صفر» به کار رفته است.

۷ ۱ واژه «کام» در این گزینه در معنی «آرزو و خواسته» و در سایر گزینه‌ها در معنی «دهان» به کار رفته است.

۸ ۴ واژه «کام» در این گزینه در معنی «دهان» و در سایر گزینه‌ها در معنی «آرزو و خواسته» به کار رفته است.

۹ ۳ واژه «خیره» در گزینه (۳) در معنی «سرکش و لجوج» و در سایر گزینه‌ها در معنی «بیهوده» به کار رفته است.

۱۰ ۲ واژه «خیره» در گزینه (۲) در معنی «حیران، سرگشته و فرومانده» و در سایر گزینه‌ها در معنی «بیهوده» به کار رفته است.

۱۱ ۲ واژه «همسری» در گزینه (۲) در معنی «زوج برگزیدن» و در سایر گزینه‌ها در معنی «برابری و مساوات» به کار رفته است.

۱۲ ۲ واژه «راست» در گزینه (۲) در معنی «مقابل چپ» و در سایر گزینه‌ها در معنی «به درستی و کاملاً» به کار رفته است.

۱۳ ۲ واژه «راست» در بیت سؤال و گزینه (۲) در معنی «به درستی و کاملاً» به کار رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ درست، مقابل دروغ

۳ مقابل چپ

۴ درست، مقابل دروغ

۱۴ ۲ «سهم» در این گزینه به معنی «بهره و نصیب» آمده، اما در سه گزینه دیگر در معنی «ترس و بیم» است.

۱۵ ۳ املای درست واژه: فضل: بخشش، کرم، نیکویی

۱۶ ۲ املای درست واژه: بحر: دریا (بهر: برای)

۱۷ ۳ املای درست واژه: خواستن: طلب کردن (خاستن: بلند شدن)

۱۸ ۴ املای درست واژه: ورطه: گرداب

۱۹ ۴ املای درست واژه: رزق: روزی

۲۰ ۴ املای درست واژه: نمط: روش، شیوه

۲۱ ۴ مطرب عشق (نهاد) راه مستانه زد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ [آن مست] با مردم هشیار چه (مفعول) کرد.

۲ [من] دوش مشکل (مفعول) خویش بر پیر مغان بردم.

۳ بدین ترانه غم (مفعول) از دل توانی به در کرد.

۲۲ ۴ نرگس ساقی آیت افسونگری (مضاف‌الیه) بخواند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ [تو] حجله (مفعول) حسن بیارای.

۲ [آن] حقیقت (مفعول) ندیدند.

۳ [تو] حسب‌حالی (مفعول) ننوشتی.

۲۳ ۳ دل بیمار (صفت) از دست شد (فعل غیراسنادی).

«شد» در این گزینه در معنی «رفت» آمده و فعل اسنادی نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ حافظ شیدای گیتی (مسند) نگشتی (فعل اسنادی).

۲ [تو] نگران (مسند) باش (فعل اسنادی).

۴ [او] در علم نظر بینا (مسند) بود (فعل اسنادی).

۲۴ ۳ [من] پاک‌دلی (مفعول) بگزینم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ [تو] از خانه مست (قید) برون تاخته‌ای.

۲ [من] به هواداری او (گروه قیدی)، ذره‌صفت (قید)، رقص‌کنان (قید) تا لب

چشمه خورشید درخشان (قید) بروم.

۴ دل بی‌عشق، آهسته‌آهسته (قید) خراب می‌گردد.

۲۵ ۴ [تو] چرخ‌زان (قید) به خلوت‌نگه خورشید رسی.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ ای چشم و چراغ همه شیرین‌سخنان (مضاف‌الیه) [با تو سخن می‌گوییم].

۲ از صحبت پیمان‌شکنان (مضاف‌الیه) پرهیز کن.

۳ این همه خونین‌کفنان (نهاد) شهیدان که‌اند؟

۲۶ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ تشبیه درد عشق (مشبه) به زهر (مشبه‌به)

۲ تشبیه معشوق (مشبه) به سرو (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به بستان

(مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به درد (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به

درمان (مشبه‌به)

۴ تشبیه رخسار معشوق (مشبه) به ماه (مشبه‌به) / تشبیه زلف معشوق (مشبه)

به شب (مشبه‌به)

۲۷ ۱ واژه «چون» در این بیت در معنی «چگونه» به‌کار رفته و ادات تشبیه نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ تشبیه عشق (مشبه) به آتش (مشبه‌به) (وجه‌شبه: سوزاندگی)

۳ تشبیه شب (مشبه) به زلف یار (مشبه‌به) (وجه‌شبه: سیاهی) / تشبیه روز

(مشبه) به رخ یار (مشبه‌به) (وجه‌شبه: سپیدی)

۴ تشبیه رخ یار (مشبه) به خورشید (مشبه‌به) (وجه‌شبه: نورانی بودن)

۲۸ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ این‌که غم، جامی از خون دلم نوشید و گفت: «این جام را به سلامتی کسی

می‌نوشم که در این روزگار شاد است.» تشخیص است.

۲ این‌که تصویر خیالی چهره یار سخن بگوید، تشخیص است.

۴ مخاطب قرار گرفتن باد صبا و این‌که سلام برساند و سخن بگوید، تشخیص است.

۲۹ | بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) نسبت دادن بی‌وفایی و تبسم به گل، هم‌چنین فعل نالیدن به بلبل و مخاطب قرار گرفتن بلبل، تشخیص به‌شمار می‌رود.

(۳) این‌که عشق بیاید و بر تخت دل بنشیند و عقل از آن تخت برخیزد، پدیدآورنده آرایه تشخیص است.

(۴) این‌که ابر گریه‌کنان به باغ بیاید، آرایه تشخیص را به‌وجود آورده است.

۳۰ | ۳ در این بیت چهار بار آرایه استعاره به‌کار رفته است؛ واژگان «عید، بهار، ماه و نگار (به معنی نقش و نگار)» همگی استعاره از معشوق‌اند.

بختگان مورد خطاب قرار گرفتن عناصر بی‌جان، تشخیص (جان‌بخشی) به‌شمار می‌رود، اما در شناسایی تشخیص باید توجه داشت که آن را با استعاره اشتباه نگیریم؛ ای روزگار (منظور: همان روزگار!)، آرایه تشخیص / ای ماه من (منظور: معشوق): آرایه استعاره

در گزینه (۳)، در حقیقت، شاعر با یک انسان (بار) گفت‌وگو می‌کند و تشخیص وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) مورد خطاب قرار گرفتن روزگار و نیز این‌که روزگار بتواند فکری به حال خودش کند، بیانگر آرایه تشخیص (جان‌بخشی) است.

(۲) خندیدن گل نشان‌دهنده آرایه تشخیص (جان‌بخشی) است، مخصوصاً این‌که با صدای بلند هم بخندد!

(۴) ایستادن ابر و باران برای وداع و گریستن ابر، حاکی از وجود آرایه تشخیص (جان‌بخشی) در بیت است.

۳۱ | بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دهان کسی را دوختن: کنایه از باعث سکوت کسی شدن / پرده‌داری کردن: کنایه از رسوا کردن

(۲) سر به مهر: معادل کنایه‌های دست‌نخورده و سر بسته است.

(۴) دل ربودن: کنایه از شیفته و عاشق کردن

۳۲ | بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) بوی شیر دادن دهان: کنایه از بی‌تجربگی و بچه بودن

(۲) آب در هاون کوبیدن / ساییدن: کنایه از کار بی‌هوده کردن

(۴) باد در سر داشتن: کنایه از مغرور بودن

۳۳ | ۲ رنگ گفتار: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی

۳۴ | ۳ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) سلام خشک: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه

(۲) تلخ شنیدن: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی

(۴) صغیر گرم: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی

۳۵ | ۴ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) شعر تر شیرین: شعر تر: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / شعر شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

(۲) ترانه‌های شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی / بهانه‌های رنگین: آمیختگی دو حس شنوایی و بینایی

(۳) شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی / شنیدن رنگ: آمیختگی دو حس شنوایی و بینایی

۳۶ | ۱ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۲) رنگینی گفتار: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی

(۳) شیرین سخنی: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی

(۴) بویی ندیدن: آمیختگی دو حس بویایی و بینایی

۳۷ | ۳ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) ناله سوزنده: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه

(۲) دشنام تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

(۴) رنگین سخنان: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی

۳۸ | ۲ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) تلخ نشستن: «تلخی» مربوط به حس چشایی است و با «نشستن» تناسب ندارد.

(۳) نرم سخن گفتن: آمیختگی دو حس لامسه و شنوایی

(۴) تلخ شنیدن: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی

۳۹ | ۴ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) زبان چرب (سخن چرب): آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / سلام خشک:

آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه

(۲) سخن تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

(۳) خنده شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

۴۰ | ۴ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) صغیر گرم: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / شنیدن بو: آمیختگی دو

حس شنوایی و بویایی

(۲) بوی درد: آمیختگی حس شنوایی با حس باطنی «درد» / آه سرد: آمیختگی

دو حس شنوایی و لامسه

(۳) جواب تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

بختگان در گزینه (۲) می‌توان «بوی درد» را نیز دارای نوعی حس آمیزی دانست؛

زیرا «بو» که با حس بویایی قابل درک است، به «درد» (غم و اندوه) که با هیچ‌کدام

از حواس پنج‌گانه قابل درک نیست، نسبت داده شده است.

۴۱ | ۳ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) ترانه‌های شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی / بهانه‌های رنگین:

آمیختگی دو حس شنوایی و بینایی

(۲) تلخ شنیدن: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی

(۴) شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی

۴۲ | ۴ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی

(۲) سخن رنگین: آمیختگی دو حس شنوایی و بینایی

(۳) گریه تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی / خنده شکرین: آمیختگی دو

حس شنوایی و چشایی

۴۳ | ۴ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) شیرین بودن خنده: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / سخن گفتن شیرین:

آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

(۲) شنیدن بو: آمیختگی دو حس بویایی و شنوایی

(۳) دیدن صدا: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی

۴۴ ۳ لعل شیرین: لعل استعاره از لب است و شیرین بودنش حس آمیزی به شمار نمی‌رود.

شور برآوردن: کنایه از غوغا و هیاهو ایجاد کردن / شور در این بیت به معنی هیجان است و حس آمیزی نمی‌سازد.

آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

(۱) سخن تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

(۲) گفتار بامزه: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

(۴) حرف سرد: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه

۴۵ ۴ خون: مجاز از کشتن

۴۶ ۴ پیمانانه: مجاز از شراب

۴۷ ۱ در این گزینه «سر» در معنی حقیقی خود (اندام فوقانی) به کار رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) سر مجاز از اراده و قصد

(۳) سر (اؤل) مجاز از جان و وجود شاعر / سر (دوم) مجاز از فکر و خاطر

(۴) سر مجاز از نیت و تصمیم

۴۸ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) خون: مجاز از کشتن

(۲) دست: مجاز از بخشی از دست (پنجه یا انگشت)

(۴) سر: مجاز از قصد و اندیشه

۴۹ ۳ الهی‌نامه: عطار نیشابوری

۵۰ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): امید به فضل خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) امیدواری به وصال معشوق

(۳) طلب مهربانی و عنایت از معشوق

(۴) طلب وصال معشوق از خداوند / امید به وصال معشوق

۵۱ ۱ مفهوم گزینه (۱): اغراق در کوچکی دهان یار

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

وصف ناپذیری عشق و معشوق

۵۲ ۲ مفهوم گزینه (۲): ذکر معشوق (خدا) موجب آرامش دل عاشقان است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

وصف ناپذیری خداوند / عجز انسان از توصیف خداوند

۵۳ ۳ مفهوم گزینه (۳): از کوزه همان برون تراود که در اوست.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

عجز انسان از شناخت و توصیف خداوند

۵۴ ۱ مفهوم گزینه (۱): وحدت وجود / بی‌همتایی خداوند

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

عجز انسان از درک و شناخت خداوند

۵۵ ۳ مفهوم گزینه (۳): گله از بی‌ثباتی معشوق

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

عجز انسان از درک و وصف خداوند

۵۶ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): عجز انسان از درک و شناخت خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ستایش آفرینندگی خداوند / هر چیزی براساس سرشت خدادادی خود عمل می‌کند.

(۲) چشم، دریچه شناخت انسان است.

(۴) کشش از طرف معبود، انگیزه عشق و عبادت است.

۵۷ ۳ مفهوم گزینه (۳): یگانگی خداوند / تنها وجود حقیقی در جهان هستی،

خداوند است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ناتوانی و عجز انسان از درک خداوند

۵۸ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): ناتوانی انسان از درک و توصیف خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ناتوانی عاشق از دست‌یابی به معشوق

(۳) زندگی واقعی با فنا شدن به‌دست می‌آید.

(۴) شادی آور بودن غم عشق / غم‌طلبی عاشق

۵۹ ۲ مفهوم گزینه (۲): احاطه علم خداوند بر حقایق پیدا و پنهان

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

تجلی وجود خداوند در پدیده‌های جهان

۶۰ ۴ مفهوم گزینه (۴): شیفتگی و سرگشتگی عاشق / زیبایی معشوق موجب

کشش عاشق است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

تجلی خداوند در پدیده‌های جهان

۶۱ ۳ مفهوم گزینه (۳): بی‌تعلقی وارستان

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

تجلی خداوند در پدیده‌های جهان

۶۲ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): تجلی خداوند در پدیده‌های جهان

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) جنبش و پویایی طبیعت به‌خاطر وجود معشوق است. شورانگیزی عشق

(۴) گدازندگی غم عشق

۶۳ ۲ مفهوم بیت‌های گزینه (۲): الف) کمال‌بخشی عشق به وجود عاشق /

پ) طلب جلوه‌گری از معشوق

مفهوم مشترک سایر بیت‌ها:

تجلی خداوند در پدیده‌های جهان

۶۴ ۱ مفهوم گزینه (۱): روزی‌رسانی فراگیر خداوند

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

آفرینش انسان از گل

۶۵ ۳ مفهوم گزینه (۳): گستاخی در برابر خداوند

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

بخشش پروردگار و روزی‌رسانی او

۶۶ ۴ مفهوم گزینه (۴): وصف جمال یار / خودشیفتگی موجب سرکشی‌ست.

مفهوم مشترک بیت‌های سؤال و سایر گزینه‌ها:

نکوهش غرور و سرانجام بد انسان مغرور

۷۶ ۳ مفهوم گزینۀ (۳): بی‌خودی و ناشکیبایی عاشق در راه عشق

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت جهاد با نفس

۷۷ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینۀ (۲): نکوهش پیروی از هوای نفسانی

در زندگی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ناامیدی از نتیجه‌بخش بودن صبر و شکیبایی

(۳) کیفیت عمر، ملاک لذت بردن است و نه لزوماً طولانی بودن آن.

(۴) ناپایداری دنیا و عمر

۷۸ ۲ مفهوم گزینۀ (۲): شور تسکین‌ناپذیر عاشق و طلب وصل دائمی

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت غلبه بر نفس

۷۹ ۱ مفهوم گزینۀ (۱): سعادت و جاودانگی دل، ثمرۀ عشق ورزیدن به

معشوق است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ضرورت رهایی از بندگی نفس

۸۰ ۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینۀ (۳): نکوهش درخواست از خلق خدا

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) دین‌داری موجب رسیدن به کمال است.

۲ و (۴) ناپایداری دنیا

۸۱ ۳ مفهوم گزینۀ (۳): پرهیز از عیب‌جویی و دعوت به اصلاح عیوب خویشتن

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

نکوهش طلب روزی از غیرخدا و تأکید بر روزی‌رسانی خداوند

۸۲ ۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینۀ (۳): نکوهش درخواست روزی از غیرخدا

مفهوم سایر گزینه‌ها:

درویش‌نوازی

۸۳ ۳ مفهوم گزینۀ (۳): عاشق به وعده‌های دروغین نیز راضی است.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت راست‌گویی و درستی

۸۴ ۳ مفهوم گزینۀ (۳): یکسان نبودن سرشت مخلوقات

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

نکوهش ناراستی و دروغ

۸۵ ۳ مفهوم گزینۀ (۳): وصف قامت بلند معشوق

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ستایش راست‌گویی

۸۶ ۲ مفهوم گزینۀ (۲): دروغ‌گویی مایه عزت است!

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ستایش راست‌گویی

۸۷ ۳ معنی درست واژه‌ها: تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت، توجه؛ تیمار داشتن:

غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛

پرستاری و خدمت کردن / مُحال: بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل / مولع: شیفته،

بسیار مشتاق، آزمند / نموده: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده

۶۷ ۴ مفهوم گزینۀ (۴): ضعف و زبونی و تفاوت آن با تواضع

مفهوم مشترک بیت‌های سؤال و سایر گزینه‌ها:

تکبر موجب نابودی‌ست.

۶۸ ۳ مفهوم بیت‌های سؤال و گزینۀ (۳): ستایش افتادگی و تواضع / افتادگی

موجب سعادت و بلندمرتبتگی می‌شود.

بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) خوش‌اقبال از بی‌کسی خوار نمی‌شود.

(۲) نکوهش حرص و طمع

(۴) قدرت در ثروت است.

۶۹ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ (۴): فروتنی موجب کمال است.

بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) دشمنی اهل روزگار با اهل فضل

(۲) دلوایسی‌های عاشقانه

(۳) امیدواری به بخشاینده‌ی خداوند

۷۰ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ (۱): تواضع و یاری همنوعان به انسان

ارزش می‌بخشد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) ارزشمندی وجود معشوق

(۳) ناپایداری قدرت دنیوی

(۴) انسان بنده محبت است.

۷۱ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ (۱): توجه به فروتنی / تواضع و

خاکساری موجب پیروزی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) برای رسیدن به خدا باید از وجود مادی گذشت.

(۳) ناپایداری دنیا

(۴) سعادت‌مندی و اقبال

۷۲ ۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینۀ (۳): ضرورت آگاهی از عیوب خویش

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) دعوت به تهذیب نفس (پاکیزه کردن درون)

(۲) عیب‌نیکان بیش‌تر به چشم می‌آید.

(۴) اهل ظاهر ناآگاه‌اند.

۷۳ ۱ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینۀ (۱): توجه به عیب‌ها و نقایص خود

به‌جای فریفته هنرهای خود شدن

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) حسرت بر جوانی از دست رفته

(۳) عیب‌پاکان آشکارتر است.

(۴) نکوهش غرور و تحقیر فرودستان

۷۴ ۳ مفهوم گزینۀ (۳): شدت جنگاوری

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

لزوم حفظ هوشیاری برای رهایی از شر هوای نفس

۷۵ ۱ مفهوم گزینۀ (۱): نکوهش هم‌نشینی با بدان

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت غلبه عقل بر احساس و نفس

۱۰۶ ۲ بررسی حذف فعل در گزینه (۲): راهزنان، عاجز [بودند] و من زورمند [بودم] [حذف فعل به قرینه معنوی]

۱۰۷ ۲ یا سخن دانسته گو ای مرد دانا [به تو می‌گویم] یا خموش [باش]

۱۰۸ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ حذف فعل: پیراهن برگ بر درختان چون جامهٔ عید نیک‌بختان [است]

۳ حذف فعل و علامت تفضیل: اسب تازی اگر ضعیف بود همچنان از طویله‌ای خر به‌تر است]

۴ حذف فعل: زبان در دهان ای خردمند چیست؟ کلید در گنج صاحب هنر [است]

۱۰۹ ۳ بفرمود گنجینهٔ گوهرش / فشاندند در پای و زر بر سرش [فشاندند]

۱۱۰ ۳ به چشم‌های تو [سوگند می‌خورم که] دانم که تا ز چشم برفتی / به چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم

۱۱۱ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن / که پیش طایفه‌ای مرگ به که [از] بیماری [است]

۳ چشمی که جمال تو ندیده‌ست چه دیده‌ست / افسوس [می‌خورم] بر اینان که به غفلت گذرانند

۴ به دوستی [سوگند می‌خورم] که ز دست تو ضربت شمشیر / چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول

۱۱۲ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ که بارب [از تو می‌خواهم] بر این بنده بخشایشی [کن] / از او دیده‌ام وقتی آسایشی

۳ یکی شخص از این جمله در سایه‌ای [بود] / به گردن بر از حلهٔ پیرایه‌ای [داشت]

۴ بدانندیش را جاه و فرصت مده / عدو در چه [باشد] و دیو در شیشه [باشد] به [است]

۱۱۳ ۱ حذف به قرینه معنوی در سایر گزینه‌ها:

۲ فروغ رای تو مصباح راه‌های مخوف [است]. / عنان عزم تو مفتاح ملک‌های حصین [است].

۳ ابر رحمت بر تو باران [بازنده] [باد] روح راحت بر روان والدین [باد]

۴ بخت را با دوستانات اتّفاق [باد] / چرخ را با دشمنان حرب حنین [باد]

۱۱۴ ۴ در این گزینه می‌توان حذف را به «قرینهٔ لفظی» دانست:

از مقاومت تا ثریا هم چنان [است] که از ثریا تا ثری فرق و بین (جدایی) است.

حذف به قرینه معنوی در سایر گزینه‌ها:

۱ آسمان در زیر پای همّت فرقدین [را] بر زمین مالنده [است].

۲ ای [کسی که] محافل را به دیدار تو زین [است] طاعتت بر هوشمندان فرض عین [واجب] [است].

۳ ای [کسی که] کمال نیک‌مردی بر تو ختم [است] یا [شده است] / نیک‌نامی [ات] منتشر در خافقین [است]. یا [شده است].

۱۱۵ ۳ به دو چشم تو [سوگند می‌خورم]

۱۱۶ ۳ خدمتت را هر که فرمایی کمر بندد به طوع / لیکن آن بهتر [است] که فرمایی به خدمتگار خویش

۱۱۷ ۴ در بند تو از رهایی خوش‌تر [است]

۱۱۸ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ می‌خوری به [تر است] که روی طاعت بی‌درد کنی / اندکی درد به [تر است] از طاعت بسیار مرا

۸۸ ۴ معنی درست واژه‌ها: کول: کتف، دوش / معالی: بزرگواری‌ها، بلندقدی‌ها / سراسیمه: هراسان، سرگردان، آشفته و سرگشته، پریشان حال / مُحال: بی‌اصل، ناممکن، اندیشهٔ باطل

۸۹ ۳ معنی درست واژه‌ها: تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت، توجه؛ تیمار داشتن: غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ پرستاری و خدمت کردن / مولع: شیفته، بسیار مشتاق، آزمند

۹۰ ۲ معنی درست واژه‌ها: پَر و پَر: با دقت، خیره‌خیره / قرابت: خویشی، خویشاوندی / تل: پشته، تپهٔ بلند

۹۱ ۲ نهاد (سرشت)، نهاد (فعل ماضی به معنی «قرار داد»)

۹۲ ۳ سو (مصراع اوّل) (سمت و جانب)، سو (مصراع دوم) (نور، روشنایی)

۹۳ ۳ داد (اوّل، حق)، داد (دوم و سوم، بن ماضی فعل)

۹۴ ۳ داد: فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «دادن»

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ داد (عدل) / داد (فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «دادن»)

۲ داد (اوّل و سوم، فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «دادن»)، داد (دوم، حق)

۴ داد (حق)، داد (فعل ماضی سوم شخص مفرد از مصدر «دادن»)

۹۵ ۳ باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی از مصدر «بودن»)

۹۶ ۱ باد: جریان هوا

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲، ۳ و ۴ باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی از مصدر «بودن»)

۹۷ ۲ املاي درست واژه‌ها: طَبَع: سرشت، نهاد (تَبَع: تبعیت، پیروی - پیروان) / خواسته: طلب‌شده (خاسته: بلندشده)

۹۸ ۴ املاي درست واژه: مستغنی: بی‌نیاز

۹۹ ۳ املاي درست واژه: غریب: ناآشنا (قریب: نزدیک)

۱۰۰ ۴ املاي درست واژه: غصه: غم (قصه: داستان)

۱۰۱ ۳ املاي درست واژه: رسا: بلند (رنا: سوگ سروده)

۱۰۲ ۲ املاي درست واژه: رعشه: لرزش

۱۰۳ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ می‌روم

۳ برمی‌گردم / می‌بینم

۴ نمی‌دهد / می‌کنی

۱۰۴ ۴ داشته باشید: ماضی التزامی / تحصیل می‌کردم: ماضی استمراری / سر ... بزیم: مضارع التزامی

مقتضی فعل «داشته باشید» با توجه به مفهومش در جمله، مسلماً ماضی التزامی نیست! این فعل، هم در معنی و هم از نظر ساختار، در واقع، «فعل امر» است و فعل امر از مصدری مانند «داشتن» به همین صورت ساخته می‌شود. متأسفانه تسلط نداشتن طراح به موضوع مورد سؤال - زمان افعال - و در این مورد، ناآشنایی ایشان با گونه‌های خاص ساخت فعل امر، سبب چنین خطایی شده است. به هر حال، با توجه به ظاهر بینی طراح کنکور و همین طور، با ردّ گزینه‌های نادرست، ناچار باید گزینه (۴) را پاسخ مناسب در نظر گرفت.

۱۰۵ ۱ حذف به قرینه معنوی: امروز روز شادی [است] و امسال سال گل [است].

۱۲۶ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): نکوهش ریا

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) عاشق به جز معشوق، هیچ چیز نمی‌بیند.
- (۳) تنها حقیقت در جهان هستی، خداوند است.
- (۴) هرچه بکاری همان را درو می‌کنی.

۱۲۷ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): نکوهش ریاکاری

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) ارزش وجودی انسان در عاشق بودن است.
- (۲) امید به وصال، موجب شیرینی هجران است.
- (۳) کاری خوش‌تر از عشق نیست.

۱۲۸ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): پرهیز از ریاکاری و تزویر

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) دنیاطلبی موجب غافل شدن از یاد خداوند است.
- (۲) جمال‌پرستی

(۳) وحدت وجود / تجلی وجود خداوند در تمام پدیده‌ها

۱۲۹ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): نکوهش ریاکاری و تزویر

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) ضرورت توجه جوینده حق - اعم از عارف و مؤمن و نظایر این‌ها - به «دل»
- (۳) تسلیم بودن عاشق در برابر امر معشوق
- (۴) عشق، قابل بیان کردن و شرح و توضیح نیست.

۱۳۰ ۱ مفهوم عبارت سؤال: نکوهش ریاکاری

مفهوم گزینه (۱): دعوت به ریاکاری!

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۲) بی‌تعلقی عاشقان
- (۳) انجام هر کار، به‌طور کامل
- (۴) راز عشق تنها با اجازه دل فاش می‌شود!

۱۳۱ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): امیدواری / آسایش پس از سختی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) مژده رسیدن معشوق
- (۲) تغییر اوضاع از مطلوب به نامطلوب / ناپایداری قدرت دنیوی
- (۳) تأثیر عنایت معشوق

۱۳۲ ۴ مفهوم گزینه (۴): امید، همیشه ثمربخش نیست.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

بعد از هر سختی، آسانی است. / دعوت به امیدواری

۱۳۳ ۱ مفهوم گزینه (۱): حُسن خُلق

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

در پس هر سختی، آسانی است. / دعوت به امیدواری

۱۳۴ ۲ مفهوم گزینه (۲): دنیا مزرعه آخرت است. / آخرت‌اندیشی

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت امیدواری / در پس هر سختی، آسانی است.

۱۳۵ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): در پس هر سختی، آسانی

است. / ضرورت امیدواری

(۳) من ای صبا [با تو ام] ره رفتن به کوی دوست ندانم / تو می‌روی به سلامت

[بروی] سلام من برسانی

(۴) شکر خدا [را می‌کنم] که خصم تو را بر جگر نشست / آن تیرها که خواست تو را بر سپر زند

۱۱۹ ۱ در گزینه (۱) حذف به قرینه «لفظی» دیده می‌شود: زان روی [زلف

تو] از فرق تا قدم بسته داردم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) ای [کسی که] پشت من ز عشق تو چون ابروی تو کوژ [است]. وی [کسی که] بخت من ز یمن تو چون چشم تو دژم [است]

(۳) ای [کسی که] در خجالت رخ و زلف تو [اند] روز و شب. وی [کسی که] در حمایت لب و چشم تو [اند] شهد و سم

(۴) ای [کسی که] در دلم خیال تو شکی به از یقین [است]. وی [کسی که] در سخن لب تو وجودی کم از عدم [است]

۱۲۰ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نه آگاهی [است] از این گشتن فلک را / نه جن و انس و شیطان و ملک را از آن آگاهی [است]

(۲) پرتو نور تو نور آسمان [است].

(۴) ای [که] کمال نیک‌مردی بر تو ختم [شده است] نیک‌نامی در خافقین منتشر [شده است].

۱۲۱ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) نیک‌خو ≠ نایک‌خو / مهربان ≠ نامهربان

(۳) رسید ≠ نرسید

(۴) آب ≠ آتش

۱۲۲ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) بنشین ≠ برخیز

(۳) شادی ≠ غم

(۴) می‌روند ≠ می‌آیند

۱۲۳ ۳ تضاد: دشمن ≠ دوست / هست ≠ نیست / درد ≠ درمان / رنج ≠ راحت / بی‌قراری ≠ سکون (۵ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) کینه ≠ مهر / دشمن ≠ دوست / هست ≠ نیست (۳ مورد)

(۲) سرد ≠ گرم / پژمرده ≠ تازه / پیر ≠ جوان (۳ مورد)

(۴) شادی ≠ غم / سور ≠ ماتم / درد ≠ درمان (۳ مورد)

۱۲۴ ۱ عنصرالمعالی به پسرش می‌گوید: «تا می‌توانی از نیکی کردن دست بردار و خودت را به خوبی و نیکوکاری به مردم نشان بده و هنگامی که این کار را کردی، برخلاف آن رفتار نکن.»

۱۲۵ ۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): نکوهش ریاکاری و عدم خلوص

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) اول اندیشه، وان‌گهی گفتار

(۲) لزوم اندیشیدن و تأمل پیش از سخن گفتن

(۴) پرهیز از غرور ورزیدن و بیهوده‌گویی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) دشمنی روزگار با انسان‌ها / در پس هر آسانی، سختی است.
- ۲) انسان سختی ندیده، بیشتر در معرض رنج است.
- ۳) جمع اضداد، ناممکن است. / ستایش ممدوح
- ۴) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): دعوت به امیدواری / در پس هر سختی، آسانی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) معشوق، تنها پناهگاه عاشق است / تسلیم عاشق در برابر ستم معشوق
- ۲) عجز انسان از تغییر تقدیر و سرنوشت
- ۳) بخشاینده‌گی و روزی‌رسانی خداوند
- ۱) مفهوم گزینه (۱): تقابل عشق و عقل

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ستایش دانش‌اندوزی

- ۴) مفهوم گزینه (۴): تقابل عشق و عقل

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ستایش دانش‌اندوزی

- ۳) مفهوم گزینه (۳): غلبه عشق بر عقل / تقابل عشق و عقل

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت عاقبت‌اندیشی

- ۲) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): ضرورت عاقبت‌اندیشی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) ضرورت قناعت‌ورزی / نکوهش حرص و طمع
- ۳) گله از بخت بد
- ۴) شکوه از سازگاری روزگار با نادانان

- ۴) مفهوم گزینه (۴): نکوهش ظاهرین

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ضرورت عاقبت‌اندیشی

- ۳) مفهوم گزینه (۳): برای رسیدن به خواسته و هدف باید سختی‌های بسیار کشید.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ضرورت عاقبت‌اندیشی

- ۲) مفهوم گزینه (۲): دشواری فراهم شدن شرایط خوشی و شادمانی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

- ناپایداری غم و شادی و به طور کلی احوال روزگار، و توصیه به خوش‌باشی
- ۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): گذران بودن احوال جهان

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) دل‌گرمی دادن به مخاطب (هرکه هست، بدون اشاره به اصل ماجرا در مثنوی معنوی) و آوردن مژده جان‌بخشی و نشاط‌آفرینی
- ۲) توصیف غم و درد عشق
- ۳) بهبود اوضاع و تغییر شرایط نامطلوب به مطلوب

- ۱) مفهوم گزینه (۱): غم‌پرستی

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

خوش‌باشی و بی‌توجهی به غم

- ۱) مفهوم گزینه (۱): ناتوانی و ضعف شاعر

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

خوش‌باشی

- ۲) مفهوم گزینه (۲): ضرورت درویش‌نوازی و توجه به افتادگان

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

خوش‌باشی و دوری از غم و اندوه

- ۲) مفهوم گزینه (۲): نکوهش بی‌غمی

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

دعوت به خوش‌باشی و اغتنام فرصت

- ۲) مفهوم گزینه (۲): نکوهش تعلقات دنیوی / سیری‌ناپذیری حرص

مفهوم مشترک رباعی سؤال و سایر گزینه‌ها:

ناپایداری دنیا

- ۳) معنی درست واژه‌ها: (ب) مُحال: بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل

(ج) یله: رها، آزاد (یله دادن: تکیه دادن)

- ۳) معنی درست واژه‌ها: مولع: بسیار مشتاق، آزمند/ مستغنی: بی‌نیاز

/ براننده: شایسته

در معنی کردن واژه‌ها به مقوله دستوری آن‌ها توجه کن.

- ۳) معنی درست واژه: قرابت: خویشی، خویشاوندی

- ۱) املاي درست واژه: [نماز] گزاردن: به جای آوردن، ادا کردن

- ۴) املاي درست واژه: غریب: شگفت و عجیب

- ۴) املاي درست واژه‌ها: (الف) مدهوش / (ب) غالب / (ج) بحر / (د) غصه / (ه) اصرار / (و) ورطه

- ۴) واژه «همسری» در گزینه (۴) به معنی «زوج برگزیدن» به کار رفته

است و در سایر گزینه‌ها به معنی «برابری و مساوات».

- ۳) فعل‌های «همی‌کند، یافت، همی‌برد و دید» همگی ماضی‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) نگوییم (نمی‌گوییم): مضارع اخباری / نکنیم (نمی‌کنیم): مضارع اخباری

۲) بخواهد (می‌خواهد): مضارع اخباری

۴) همی ... آورد: مضارع اخباری

مضارع اخباری امروزه با ساختار «می + بن مضارع + شناسه» ساخته

می‌شود، اما در گذشته با روش‌های زیر هم ساخته می‌شد:

۱) بن مضارع + شناسه:

از این نامداران گردن‌کشان / کسی هم برد سوی رستم نشان (می‌برد)

۲) ب + بن مضارع + شناسه:

بخواهد هم از تو پدر کین من / چو بیند که خشت است بالین من (می‌خواهد)

۳) می / همی + ب + بن مضارع + شناسه:

پسر گفشت ای بابک نامجوی / یکی مشکلتم می‌بپرسم بگوی (می‌پرسم)

۴) همی + بن مضارع + شناسه:

دل من همی بر تو مهر آورد / همی آب شرمم به چهر آورد (می‌آورد)

- ۴) حذف فعل به قرینه معنوی: به جمالت [سوگند می‌خورم] / ساقی [با

تو سخن می‌گویم] / قدحی [ده] / دردا (درد می‌کشم) / دریغا (دریغ می‌خورم) /

همان به [است] (۶ مورد)

۱۶۸ ۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): نکوهش عیب‌جویی و ضرورت

اصلاح عیب‌های خود

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نکوهش حسد

(۲) پرهیز از عیب‌جویی برای پوشیده ماندن عیب خود

(۴) دلیل عیب‌جویی پنهان ساختن عیب‌های خود است.

۱۶۹ ۱ مفهوم گزینه (۱): سنجیده‌گویی و به موقع سخن گفتن

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

توصیه به رازپوشی

۱۷۰ ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): وحدت وجود / تجلی خداوند

در پدیده‌ها

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) برتری زیبایی معشوق بر طبیعت

(۳) وجود عاشق و معشوق مکمل یک‌دیگر است.

(۴) توصیف زیبایی معشوق

۱۷۱ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): فروتنی و افتادگی لازمه سربلندی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) جاودانه بودن تواضع و فروتنی در ذات و سرشت شاعر

(۲) توصیه به مناعت طبع

(۳) تواضع موجب آسایش و امنیت است.

۱۷۲ ۲ مفهوم گزینه (۲): توجه معشوق باعث افزایش امید بر وصال می‌شود.

خود کم‌بینی عاشق

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

امیدوار بودن در مواجهه با سختی‌ها / دعوت به امیدواری

۱۷۳ ۱ مفهوم گزینه (۱): ناپایداری دنیا

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

توصیه به خوش‌باشی و خوش‌گذرانی و غنیمت شمردن فرصت شادی با توجه به

ناپایداری دنیا

۱۷۴ ۴ مفهوم مشترک ابیات گزینه (۴): آخرت‌اندیشی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بیت اول: پراکنده شدن عاشقان

بیت دوم: (نیرنگ و دورویی انسان‌ها)

(۲) بیت اول: ناآگاهی انسان از عوالم معنوی

بیت دوم: تحیر، میزان و معیار، بصیرت است.

(۳) بیت اول: ضرورت غافل نشدن از مکر زیردستان

بیت دوم: درویش‌نوازی و ضرورت دست‌گیری از ناتوانان

۱۷۵ ۴ معنی درست واژه‌ها: ادیب: بسیار دان، دانشمند، با فرهنگ

فراغ: آسودگی، آسایش و آرامش

گسیل کردن: روانه کردن، فرستادن کسی به جایی

۱۷۶ ۳ معنی درست واژه‌ها: بهایم: چارپایان

مکاری: کسی که اسب و شتر و الاغ کرایه می‌دهد یا کرایه می‌کند.

۱۷۷ ۲ معنی درست واژه‌ها: اکرام: بزرگ‌داشت، احترام / پلاس: جامه‌ای پشمینه

و ستبر که درویشان پوشند، نوعی گلیم / فرج: گشایش، رهایی

۱۵۹ ۴ واژگان متضاد: زیر ≠ بالا

نکته: در پیدا کردن واژه‌های متضاد حتماً به تلفظ، معنی و کاربرد آن‌ها در بیت توجه کن.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نیست (نابود) / است (فعل اسنادی)

(۲) خار / گل

(۳) شب / روزی (رزق)

۱۶۰ ۴ فعل‌های امر: بیا / نه / بگو / کن / بگذر (۵ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) رو / خمش کن / گو / باش (۴ مورد)

(۲) برو / می‌باش / گو / می‌باش (۴ مورد)

(۳) بنوش / بچش / ببین / بیاب (۴ مورد)

۱۶۱ ۴ (و) قابوس‌نامه: عنصرالمعالی کیکاووس

(د) الهی‌نامه: عطار (سنایی نیز اثری با نام «الهی‌نامه» دارد).

(الف) نصرالله منشی: کلیله و دمنه

(ج) جمال میرصادقی: دیوار

۱۶۲ ۲ (و) پارادوکس: —

بررسی سایر ابیات:

(الف) تلمیح: اشاره به داستان اسکندر

(ب) تضاد: آب ≠ آتش

(ج) کنایه: بر باد دادن (در پایان مصراع اول) کنایه از نابود کردن / بنیاد کردن کنایه

از به طور کامل نابود کردن

(د) ایهام: بو (۱۵) رایحه، شمیم (۲۵) امید، آرزو

(ه) استعاره: پسته استعاره از دهان

۱۶۳ ۴ آرایه‌های ابیات:

تشبیه: سیلاب سرشک (اضافه تشبیهی) / طوفان بلا (اضافه تشبیهی)

ایهام: دور از تو: (۱۵) از تو دور باد (۲۵) در نبود تو

اغراق: این‌که سرشک (اشک) به فراوانی سیلاب باشد، بیانی اغراق‌آمیز است.

تضاد: زفت ≠ رفت / آمد ≠ رفت / آتش ≠ سیلاب

استعاره: آتش استعاره از عشق

جناس: دوش، دود

۱۶۴ ۴ جناس تام: (ب) تنگ (متضاد فراخ) تنگ (یک لنگه از بار) / (ج) روان

(جاری، رونده) روان (روح)

۱۶۵ ۳ استعاره (بیت «ج»): سنبل استعاره از زلف

مجاز (بیت «الف»): مرد و زن مجاز از همه انسان‌ها

کنایه: (بیت «ب»): نشستن غبار هستی کنایه از مرگ

تشبیه: (بیت «د»): شمع دل (اضافه تشبیهی)

۱۶۶ ۳ مفهوم گزینه (۳): آرامش حقیقی از راه حواس ظاهر حاصل و درک نمی‌شود.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

سفارش به پرهیز از دورویی و نیرنگ

۱۶۷ ۱ مفهوم گزینه (۱): ارزشمندی وجود ممدوح

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

آفرینش انسان از گل